

فصلنامه تخصصی سبک شناسی‌نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال ششم- شماره چهارم- زمستان ۱۳۹۲- شماره پیاپی ۲۲

نقش ترکیبات و گروه‌های اسمی و وصفی اثیرالدین اخسیکتی در تحوّل سبک از

خراسانی به عراقی

(ص ۱۱۲-۱۰۱)

مختار ابراهیمی^{۱۲} (نویسندهٔ مسئول)، آرزو حاجیانی^{۱۳}

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۷/۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۱۱/۲۶

چکیده

اثیر شاعر قویدست ایران زمین، در سیر تحوّل سبک از خراسانی بعراقی نقش قابل توجهی دارد. یکی از بارزترین جلوه‌های اقدامات او در این زمینه آفریدن کلمات مرکّب است. این مولفهٔ سبکی کمتر مورد عنایت پژوهشگران بوده است. در این پژوهش به این جنبهٔ شاعری/اثیر پرداخته شده است. مهمترین هدف شاعر از ساخت و گنجاندن این واژه‌های مرکّب در پهنهٔ اشعارش، نوگرایی و کاستن سادگی و روانی سبک خراسانیست. از آنجائیکه حضور کلمات مرکّب در شعر شاعران سبک خراسانی نمود کمتری دارد، شاعر با بدست دادن این ترکیبات گام بلندی در تحوّل سبک نهاده است. اثیر در ساختن ترکیبات نسبت بشاعران خراسان آشکارا از ظرفیتهای بیشتری استفاده کرده و جهت اظهار فضل از این روش بیشترین بهره را برده است. واژه‌های مرکّب موجود در دیوان/اثیر تحت عنوانهایی چون: ترکیب ونددار، ترکیب شبه ونددار، صفت فاعلی مرکّب، صفت مفعولی مرکّب و ترکیب وصفی بررسی و تحلیل شده‌اند. در پایان به این نتیجه میرسیم که بسیاری از کلمات مرکّب بر ساختهٔ اثیر تأثیر بسزایی در حرکت شعر بسوی دشواریهای شعری سبک عراقی داشته است.

کلمات کلیدی: سبک، کلمات مرکّب، صفت فاعلی مرکّب، نوگرایی، دیوان.

^{۱۲} . استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران

^{۱۳} . دانشجو دورهٔ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جامع آزاد اسلامی واحد

شوشتر a.hajiani2014@gmail.com

مقدمه

یکی از شعرای جریان‌ساز قرن ششم اثر است؛ تأثیر شگرفی که به انحای گوناگون بر شعرای پس از خودش میگذارد ستودنیست. زبان اثر در قیاس با شاعران سلف خود تازگی خاصی دارد. یکی از جلوه‌های این تازگی جنبه ترکیب‌سازی است. استاد فروزانفر در همین راستا میگوید: «انصاف آنست که طبع و فکر او تواناست و بیشتر اشعار وی متین و محکم است و ترکیبات تازه بسیار دارد ولی هم بحکم انصاف و دلبستگی و فریفتگی نسبت بفقون بلاغت و معانی باریک و پرا از کمال و مرتبه بلندتری که ممکن بود بدان دست یابد باز داشته.» (سخن و سخنوران، فروزانفر: ص ۱۹)

شعر پارسی در قرن ششم آماده دگرگونی در ساختار شد. یکی از شاعران تحول‌گرای این دوره *اثر/اخصیکتی* بود. ذبیح الله صفا درباره این تحولات میگوید: «تغییر روش شعر فارسی در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم بوسیله یک دسته از شاعران صاحب سبک صورت گرفت که خاتم آنان انوری بوده است. از پیشروان بزرگ این تغییر سبک اثر است که از اکابر بلغای عهد خود بوده است.» (مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر فارسی، صفا: ص ۳۸-۳۹)

بیشتر توجه تحلیل‌گران ادب فارسی به *اثر/اخصیکتی* از این منظر دیده شده که او شاعری مداح و در اشعارش عنایت ویژه‌ای به بلاغت و معانی صعب داشته است اما در این میان التفاتی به توان خلق کلمات مرکب در پهنه اشعارش نکرده اند. البته بطور ضمنی در برخی از کتب سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات به این قابلیت او اشاره شده، اما رساله‌ای مجزا که این هنر او را نمایان سازد چهره ننموده است. نگارندگان پس از تحلیل دیوان او به این نتیجه رسیده اند که *اثر* از وضع ترکیبات بدنبال تازه‌گرایی است. تازگی ترکیبات او در قیاس با پیشینیان بنوعی برای او تشخیص‌زبانی ایجاد کرده است.

زبان شعر سبک خراسانی ساده و روان است و در آن از تعقید خبری نیست. یکی از مهمترین مختصات شعر قرن ششم وفور ترکیبات نو در بدنه اشعار است. یکی از وجوه بکارگیری این ترکیبات کاهش روشنی و سادگی اشعار و حرکت بسوی دشواریهای شعر است. در این گذار اثر با بدست دادن ترکیبات پر شمار در جای جای دیوانش نقش مهمی در این تحول سبک داراست. بدیهی است که بکارگیری ترکیبات نو مختصه سبکی شاعر محسوب میشود و در قیاس با دوره قبل بنوعی گریز از وجوه متداول گفتار است. نگاهی به ترکیبات بکر «مدیح اندوز و میان افکن» در اشعار زیر گویای این معناست:

چون سر انداز کند در سپه غم گویی خنجر شاه سرانداز مدیح اندوز است
(دیوان اثیر، ۴۱۱)

گر از خواجگان نظم عقدی دهند به تعیین تو باشی میان افکنش
(دیوان اثیر، ۴۳۳)

از این منظر میتوان گفت انگیزه/اثیر از آفریش و استخدام ترکیبات در گستره اشعارش ایجاد سبکی نو است. شمیسا در این ارتباط چنین میگوید: «سبک محصول گزینش (Choice) خاص از واژه ها و تعابیر و عبارات است.» (کلیات سبکشناسی، شمیسا: ص ۲۶)

نگارندگان جهت انعکاس این جنبه هنر زبانی اثیر و نقش این وجه زبانی در تحول سبک دوره، دیوان/اثیر را با استقصای کامل از نظر گذرانده و تمام واژه های مرکب موجود را استخراج کرده اند. قابل ذکر است که کلمات مرکبی که در این مقاله نمود داده میشوند تنها نمونه ای از این ترکیبات میباشند. اکنون در کنار آنچه گفته شد به تحلیل انواع ترکیبات موجود در دیوان اثیر میپردازیم.

تأملی در انگیزه ساخت ترکیبات اثیر در قیاس با شعرای سبک خراسانی

شاعران نیمه دوم قرن ششم در تغییر سبک شعر فارسی بسیار مؤثر بودند. تغییر سبک در مرحله زبان بیشتر در بسآمد مختصات نمود پیدا کرد. ذبیح الله صفا میگوید: «با گذشت نیمه اول قرن ششم و بر اثر مجاهدات شاعران آن دوره و با تغییراتی که بتدریج در زبان فارسی دری حاصل شده بود، نیمه دوم قرن ششم و اوایل قرن هفتم آبستن شاعران و گویندگانی گشت که همه میبایست راه تازه خود را در شعر پیش گیرند و بکلی از راه پیشینیان دور شوند» (تاریخ ادبیات ایران، صفا: ص ۲۰۵). پیش از این شاعران سبک خراسانی در بکار بردن ترکیبات در آثارشان بسیار طبیعی عمل میکردند و قصد اظهار فضل و هنرنمایی نداشتند. شمیسا میگوید: «زبان فارسی در این دوره زبان مادری گویندگان است یعنی گویندگان این دوره برخلاف دوره های بعد زبان فارسی را از روی آثار ادبی پیش از خود نمیآموختند، از اینرو زبان ایشان طبیعی و ساده و روان است» (سبک شناسی شعر، شمیسا: ص ۶۴-۶۵). اما اثیر اخسیکتی بنا بعبادت شعرای نیمه دوم قرن ششم که زبان فارسی را آماده تحول بزرگ مینمودند بدقت در گزینش ترکیبات منتخب اعتیاد داشت. او در ساختن ترکیبات نسبت بشاعران سبک خراسانی آشکارا از هنجارهای زبانی عدول کرده و ترکیبات بکری عرضه کرده است. تا جائیکه از تمامی ظرفیتهای زبانی استفاده کرده است و ترکیبهای گه گاه نامأنوس و غریبی ساخته که نمونه آن در شعر شاعران خراسان کمتر دیده میشود. از دیگر سو انگیزه شاعر از این لفظ پردازی و بازی با واژه اظهار فضل و توانمندی در عرصه

سخنسرایی است، در حالیکه شاعران سبک خراسانی در سخن قصد پیراستگی و فخر فروشی نداشتند.

بررسی و تحلیل انواع ترکیبات/ثیر/احسیکتی

۱- ترکیب ونددار:

یکی از پسوندهای پر کاربرد در دیوان اثیر پسوند «گاه» است؛ پسوند «گاه» گاهی معنای زمانی و گاهی معنای مکانی را میدهد؛/ثیر از هر دو وجه بهره برده و ترکیبات بسیاری را از این ساختار بدست داده است:

بشکست چار بند طبیعت بیک خبر
تا زین گریزگاه فنا برتر اوفتاد
(دیوان اثیر، ۱۰۳)

تا بمالد در قدمگاه تو اعنی آسمان
ماه نو قد، خم بخم سرتا قدم خد میکند
(دیوان اثیر، ۱۱۱)

بهار گاه زبانی پر از شکایت شکر
همی روم به جنا بی مکرم مجدد
(دیوان اثیر، ۱۱۵)

لفظ پردازی و توجه به زیباییهای لفظی از مولفه های شاعری اثیرست: چنانچه

مشاهده میشود اثیر در گزینش الفاظ دقت بسیاری بکار برده است.

یکی دیگر از پسوندهای مورد علاقه/ثیر پسوند «سار» است. فرشیدورد درباره این پسوند چنین میگوید: «پسوندی اسم ساز و غیر فعال که گاهی معنای مکانی و گاهی معنای وصفی و دارندگی میدهد» (فرهنگ پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی، فرشیدورد: ۳۵۰)./ثیر توانسته با بهره گیری از این پسوند ترکیبهای دلنشین عرضه کند که بقرار زیر هستند:

یا رب ز چشمه سار کرم شربتی فرست
چون سنگ روزگار در این ساغر اوفتاد
(دیوان اثیر، ۱۰۴)

خضم افعی سار داند کاین گهر در سلک نظم
گرچه یاقوت است تأثیر زُمرد میکند
(دیوان اثیر، ۱۱۱)

اگر چه سحر حلال است سر بسر سخنم
شدم ز شیفته ساری چو مردم مسحور
(دیوان اثیر، ۱۸۰)

پسوند «بان» نیز از جمله پسوندهای پربسامد در دیوان اثیر است:

الاتا کارها سازد عنایتهای ربّانی
عنایت باد در کار تو یزدان جهانبان را
(دیوان اثیر، ۳)

چو عبهر جمله چشم آمد دل باریک بین تو از آن، بر مسند این هفت گلشن، دیده بان زبید
(دیوان اثیر، ۸۶)

شاعر از وضع این ترکیبات بدنبال ابتکار در سبک سخنوری خود است. اصرار اثیر در خلق ترکیبات نو او را بسوی شیوه تازه در شاعری رهنمون میسازد.

از دیگر ترکیبات ونددار اثیر فهرستوار چند نمونه آورده میشود:

عزلتگاه (۳)، فرقگاه (۶)، رزمگاه (۱۴)، دیده ور (۳۳)، سرمه وش (۴۹)، شکارگاه (۶۰)، غسلگاه (۶۴)، جگرگاه (۷۲)، حاجتمند (۹۵)، سیاستگه (۱۰۰)، مسجودگاه (۱۱۵)، اندهکده (۱۱۹)، خسیگه (۱۲۹)، جولانگه (۱۷۰)، دعوتگه (۱۸۱)، پروازگه (۱۸۹)، دریا وش (۱۹۲)، آشناوشی (۳۲۰)، مردانه وار (۳۴۴)، الف وار (۳۵۳)، گریه زار (۳۶۳)، تماشاگاه (۴۰۳).

۲- ترکیب شبه ونددار: جدا از وندها یک سری لغات یافت میشوند که همانند وندها در ساختار کلمات جای میگیرند و واژه ای با معنای نو بدست میدهند. کلباسی در تعریف شبه وندها میگوید: «بعضی از کلمات بمرور زمان علاوه بر معنی اصلی خود معنی ثانوی پیدا میکنند و با معنی جدید در کلمات غیر بسیط بکار میروند. اینگونه کلمات را «شبه وند» مینامیم» (ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز، کلباسی: ص ۲۵). از جمله این کلمه میتوان به «نامه»، «خانه»، «آباد» اشاره کرد. در دیوان اثیر با ترکیباتی مواجه میشویم که بمدد شبه وندها خلق شده اند. برخی از این ترکیبات بسیار بکر و نو مینمایند. یکی از این شبه وندهای پُر بسامد در پهنه اشعار/ اثیر واژه «نامه» است، که در جای جای اشعار/ اثیر نمودی برجسته دارد.

سوی تو هر عشق نامه ای که نوشتم نقش جز از خون دل بکار نیاید
(دیوان اثیر، ۳۴۰)

هدف اثیر از عرضه این ترکیبات نگارگری در عرصه سخنسرایی بوده است. مبالغه شاعر در ایجاد ترکیبات نو بگونه ای است که میتوان آنرا یک مختصه سبکی بشمار آورد.

واژه «خانه» از جمله شبه وندهای مورد عنایت شاعر است. بسامد کاربرد این شبه وند در دیوان اثیر بیشتر از سایر شبه وندهاست:

زفافخانه گردون خراب باد که روزی همی ز عقل و زمانه نبات زاید از ابنا
(دیوان اثیر، ۱۱)

بآب خنجر تو عالمش طهارت داد هر آن دماغ که بد بادخانه پندار
(دیوان اثیر، ۱۳۷)

نمونه‌های دیگر از ترکیبات با شبه‌وند «خانه» :

خمخانه (۶۷)، چشمخانه (۱۰۳)، تابخانه (۱۱۴)، نهانخانه (۱۱۹)، بادخانه (۱۳۷)، زنه‌ارخانه (۱۵۶)، نشانخانه (۲۱۰)، گنجخانه (۲۷۰)، بهارخانه (۲۸۰)، عنکبوت‌خانه (۲۸۴)، ننگ‌خانه (۳۲۰)، قمارخانه (۳۴۴)، مهمانخانه (۳۵۰).

در زیر برخی دیگر از ترکیبات شبه‌وندار موجود در دیوان اثیر فهرستوار ذکر میشود :

مفخر آباد (۷)، روزنامه (۹)، طرب آباد (۲۴)، محارم‌سرای (۳۸)، خراب آباد (۶۲)، نسبنامه (۸۹)، مراغه‌جای (۱۱۵)، وحشت آباد (۱۲۲)، کعبه‌سرای (۱۹۷)، حرم‌سرای (۲۱۴)، مهمانسرای (۲۲۸)، ستم آباد (۳۸۵).

۳- صفت فاعلی مرکب : گونه‌ای دیگر از کلمات مرکب موجود در دیوان / اثیر صفات فاعلی مرکب مرخم است. بسآمد این نوع از ترکیب بسیار بیشتر از سایر انواع ترکیبات میباشد؛ گروهی از کلمات مرکب هستند که یک جزء آن اسم یا صفت و جزء دیگر آنها یکی از کلمات «مشتق فعل» باشد. «این نوع اسم مرکب غالباً مفید معنی اسم فاعل است و از این‌روی بعضی آنرا اسم فاعل مرخم خوانده‌اند» (دستور جامع زبان فارسی، همایون‌فرخ: ص ۱۱۰). شاعر در بیت زیر ترکیب زیبا و بدیع «عافیت اندیش» را در وصف خردی که بدنبال آسایش و رفاه است بکار برده است:

از نو، رقمی بر دل درویش کشیدم خط، بر خرد عافیت اندیش کشیدم
(دیوان اثیر، ۳۷۷)

ترکیب بدیع «عافیت اندیش» در شمار ترکیباتی است که در شعر شاعران دیگر بیسابقه است. در جایی دیگر اثیر با هنرمندی برای توصیف ممدوحش سه صفت فاعلی مرکب مرخم را در یک بیت کنار هم قرار میدهد:

در مرتبه میر جهانگیر نگه کن لشکر شکن توران لشکر کش ایران
(دیوان اثیر، ۲۷۲)

توان شگرف شاعر سبب شده است تا بمدد سه مصدر متفاوت «گرفتن، شکستن، کشیدن» سه ترکیب دلنشین بدست دهد، اعجاز قلم اثیر آنجاست که این سه ترکیب کنار هم مینشینند و توصیف کاملی از ممدوح پدیدار میشود. شاعر جهت سوق دادن شعرش بسبکی نو‌گزیری جز استخدام و گزینش این صفات مرکب ندارد. قدرت او در بیان معانی با ترکیبات پسندیده منتخب و مهارت وی در حسن تنسیق و تناسب ترکیبات انکارناپذیر است. همچنین وی بکمک مصدر «گستردن» ترکیبات بسیار نظرگیری ساخته است که همگی در خور توجه‌هاند:

تو باش عالم دل را زعیم قاعده گستر تو باش ملکت جان را امیر مرتبه افزا
(دیوان اثیر، ۱۳)

ای خیره زان بیان سخن پرور آسمان وای تیره زان بنان سخا گستر آفتاب
(دیوان اثیر، ۳۲)

در جایی دیگر در مدح ممدوحش سلطان قزل ارسلان ترکیب تازه «موج انگیز» را پدید آورده است:

گهر ز قبه او فوج فوج موج انگیز چو خیل حور نسیمش گرفته بر سر مار
(دیوان اثیر، ۱۷۴)

همچنین نمونه دیگر از همین مصدر در ترکیب «عشق انگیز» :
مرغ راه، الفاظ مهر آمیز چون شاه حرم صبح را ز انفاس عشق انگیز، چون پیر قرن
(دیوان اثیر، ۲۶۵)

شواهدی از مصدر «سوختن» در ترکیب سازهایی اثیر :
بر شهره سحاب رصد دار گشته کوه بر خیمه سپهر شرح سوز بوده نار
(دیوان اثیر، ۱۳۱)

در کوی تو ناز حسن سوز است بی ماتم هیچ خانه ای نیست
(دیوان اثیر، ۳۳۲)

رمحت که درخش خصم سوز است از مقدمه ظفر به جستست
(دیوان اثیر، ۴۱۷)

واژه «سوختن» از جمله لغات مورد علاقه شاعر در ترکیب سازی است. اثیر جهت اظهار فضل از این تکنیک بیشترین بهره را برده است.

شاعر به کمک مصدر «گذار» توانسته است ترکیبات تازه بیافریند:
هره چو زرنیخ دار اشک چو شنگرف و پس نقشگذاری نمای بر فلک لاجورد
(دیوان اثیر، ۱۰۸)

به بست شرع سلامتگذار بر سوی نوب برست بحر شریعت ز موج هر آشوب
(دیوان اثیر، ۴۱)

در توصیف افسانه‌هایی که تأثیر عمیق بر شنونده دارند، ترکیب بکر «جانگداز» را وضع کرده است:

ز غمزه تو بر جا دوان خطه بابل فسانه گشت فسونهای جانگداز مجرب
(دیوان اثیر، ۱۹)

شاعر چرخ و ماه را بواسطه شور و نشاط ناشی از عشق به محبوبش در حالت دست افشانی و پایکوبی میانگارد:

چرخ ازرق پوش در وجد ثنایت پایکوب ماه بزم افروز، بر عشق جمالت دستزن
(دیوان اثیر، ۲۶۸)

شاعر با استخدام مشتق فعل در کنار اسم آگاهانه دست به ترکیب سازی میزند. ذهن توانمند و خلاقانه اثیر سبب شده است که از این الگوی ساخت واژه مرکب ترکیبات بیشتر و خوش ساختری نسبت بشاعران سبک خراسانی بدست دهد.

مصدر «پروردن» نیز در ساختار ترکیب سازی اثیر نمودی پر رنگ دارد:

عدل جهانداورش راه فریدون گرفت عفو گنه پرورش رسم سلیمان نهاد
(دیوان اثیر، ۸۰)

آن سرو باغ لطف که دلپرور دعاش شکل صنو بری است همه تن کف نیاز
(دیوان اثیر، ۱۸۵)

جمشید ملک پرور و خورشید نور بخش دریای با مهابت و گردون کامران
(دیوان اثیر، ۲۶۰)

یکی دیگر از مصادر پُر کاربرد در ایجاد صفت‌های فاعلی مرکب در دیوان اثیر مصدر «افزودن» است، چنانچه نمونه‌های از این ترکیب در زیر آورده میشود:

وان کودک مستسقی، بر بستر پهلو سیم از زخمه مهر افزا، در طبع زده آذر
(دیوان اثیر، ۱۵۷)

تا نبینی کز طرب چون پاکبازی میکند سنبل خوش سایه بر گلنار نور افزای او
(دیوان اثیر، ۳۸۸)

بفزود جمال باغ، در ده آن انده کاه، شادی افزای
(دیوان اثیر، ۴۰۳)

برخی دیگر از صفت‌های فاعلی مرکب در دیوان اثیر:

خدلانفزای (۶)، سایه گستر (۵۸)، زمین گستر (۶۴)، جگر سوز (۷۰)، بنده پرور (۱۰۱)، مشکل گشای (۱۲۵)، مردمگداز (۱۳۱)، کوب سوز (۱۷۳)، تیغگذار (۱۷۴)، گلوگیر (۱۸۰)، زهتفزای (۱۹۹)، آسانگذار (۳۷۶)، دست‌آموز (۳۹۸)، جانفزای (۴۲۸)، سخنگذار (۴۷۶).

۴- صفت مفعولی مرکب: در دیوان اثیر صفت‌های مرکب مفعولی هم بچشم میخورند که گه گاه بکر و نو میباشند، هر چند شمار آنها محدود است اما اثیر از آنها بیشترین بهره را برده است.

اثیر در یکی از قصایدش روزگار را همچون مطبخ پیر میداند که فضای آنرا دود انبوه فرا گرفته است؛ صفت مفعولی مرکب «دود خورده» به بهترین نحو گویای این وضع است:

مخواه لوزنه زین دود خورده مطبخ پیر / که گوشتش همه گرده است و هیچ پهلو نیست
(دیوان اثیر، ۶۰)

اثیر در جای دیگر در هجران ممدوحش ارسلان بن طغرل دو صفت مفعولی مرکب نچندان نو
ساخت اما تأثیر گذار در بافت بیت عرضه میکند:

چتر سیاه غمزده در هجر و ماتم است / تیغ کبود نم زده در شرم افسر است
(دیوان اثیر، ۶۸)

اثیر در توصیف کسانی که دردهای پرشماری را متحمل شده اند صفت مفعولی مرکب «جگر
سوخته» را می‌آفریند:

مجمع جانهای جگر سوخته / در کنف مشک پریشان اوست
(دیوان اثیر، ۳۲۸)

مصدر «سوختن» از جمله واژه های پرکاربرد در ترکیب سازی شاعران قرن ششم است؛ بنوعی
تشخص سبکی دارد. شمیسا در ارتباط با این واژه ها میگوید: «علاوه بر اینکه هر شاعر واژه های
خاصی دارد که باعث تشخیص سبک او میشود، در هر قرن و دوره یی لغاتی تشخص دارند.»
(کلیات سبک شناسی، شمیسا: ص ۳۰۰)

شاعر انحنای و پوشش تیره مانند آسمان را به انسانی که دچار غم شده است مانند کرده است و
برای آن ترکیب «ماتمزه» را ارائه داده است:

ماتمزه ای است چرخ گردان / در جامه و قد، کبودی و خم
(دیوان اثیر، ۲۱۷)

در زیر شماری از صفت‌های مفعولی مرکب موجود در دیوان اثیر فهرستوار آورده میشود:
پاداشخواره (۵)، خونخواره (۶۶)، انگشت نما (۶۷)، فرزندخواره (۱۵۳)، دورفکنده (۱۹۷)،
عربیزاده (۲۷۰)، معجونزده (۴۶۵)، گردونزده (۴۶۵)، مکنونزده (۴۶۵)، درد خواره (۴۸۱)،
غمخواره (۴۸۱).

۵- موصوف و صفت: در گذر از سبک خراسانی و حرکت بسوی سبک عراقی گونه ای دیگر از
گروه‌های اسمی مورد نظر/ اثیر بوده اند. نوآوری شاعر در جهت نامیدن و توصیف موقعیتهای
گوناگون دستاویزی شده تا دست بخلق موصوف و صفت‌های تازه بزنند. صفاتی که به پیروی از اصل
برجسته سازی باعث نظرگیر شدن اشعارش میشود. این ترکیبات دارای انواعی هستند که در زیر
به تحلیل و انعکاس آنها پرداخته میشود.

صفت + اسم ساختار یک نوع از این ترکیبات است. ترکیبات پرشماری از ایندست در سرتاسر دیوان/اثیر خودنمایی میکنند. /اثیر در قصیده ای در وصف دیماه چنین میگوید:
سرکش و تند و تنک چون طبع طفل بی خرد روشن و پاک و سبک چون رای مرد تیز ویر
(دیوان اثیر، ۱۴۴)

در همین ساختار در توصیف گردندگی چرخ میگوید:
چو چرخ بی سر و پایم چو خاک بیدل و زور ز خاک دیرنشین و ز چرخ زود مسیر
(دیوان اثیر، ۱۵۲)

در وصف فضای چمن ترکیب بکر «تازه لقا» را دارد:
خانه خدای خمول، سبزه تازه لقا است گونه بگرداندش، زحمت هیچ ایرمان
(دیوان اثیر، ۲۴۳)

/اثیر در جایی دیگر در توصیف کسی که گوی سعادت را در دست دارد و ملامت از نشاط است
صفت مرکب «فراخ کام» را آفریده است.
زبان در است حسامش به نکته های ظفر وزان زبان شده چرخ فراخکام، زبون
(دیوان اثیر، ۲۷۹)

برای نمایاندن مهارت و چابکی فرد ترکیب «سبکدستی» را بکار برده است:

گفتی فرهنگ ندهم، صد نقش گر آوردی و آخر به سبکدستی، چیزی ز میان بردی
(دیوان اثیر، ۳۹۵)

اسم + اسم ساختار نوع دیگر از ترکیبات وصفی موجود در دیوان/اثیر است هرچند بسآمد این ترکیبات وصفی در قیاس با نوع پیشین بسیار کمتر است.

تو کعبه فضلای و من از دور تو محروم لبیک زنان روی نهاده سوی مقصد
(دیوان اثیر، ۹۰)

تیغت شکار کرده عدو را و گفته مدح کای شاه شیر حمله شکارت، خجسته باد
(دیوان اثیر، ۹۴)

رستم جگری که بر در همت رخس فلکی بزیر زین دارد
(دیوان اثیر، ۱۲۰)

در زیر نمونه وار فهرستی از ترکیبات وصفی موجود در دیوان/ اثیر آورده میشود :

جهانصدر (۳)، جهانبخت(۶)، جاندارو (۱۴)، سخت پنجه (۱۷)، شکوه بار (۲۲)، حیدر مضاف (۲۲)، هنرپیشه (۳۱)، موسی سخا (۳۷)، یوسفچهر (۴۱)، نیکمحضر (۴۸)، بلند آشیانه (۵۸)، گرسنه چشم (۶۵)، سختکمان (۱۰۵)، عدل سپر (۱۳۹)، بهرامدل (۱۷۰)، چابک عنان (۱۸۱)، خنک مزاج (۲۱۴)، باریکدل (۲۲۴)، سبکخیز (۲۲۴)، سخن پیشه (۲۲۷)، یوسف فکر (۲۴۰)، گردون بقا (۲۴۳)، دریا بنان (۲۴۳)، طوبی نشان (۲۶۷)، کار آگاه (۲۹۳).

نتیجه

کاربرد گسترده ترکیبات و گروههای اسمی و وصفی، بیانگر نگاه تازه سبکی/ اثیر است. شمار این گروهها و واژه های مرکب در گستره اشعار او بسیار است تا جائیکه که میتوان این وجه زبانی را یک خصیصه سبکی برای او بشمار آورد. رویکرد شاعر از ساختن این کلمات مرکب دگرگونی و تحوّل در سبک خراسانی و سوق دادن بسوی سبکی نو است. اثیر با استمداد از این تکنیک خود سبک خراسانی را در مسیر تحوّل قرار داد و شعرای پس او نیز راه او را دنبال کردند. از اینرو/ اثیر را شاعری جریانساز میدانند.

منابع

- ۱- از معنا تا صورت، محبتی، مهدی (۱۳۹۰)، دوره دوجلدی، چاپ دوم، تهران: سخن.
- ۲- تاریخ ادبیات ایران، صفا، ذبیح الله (۱۳۸۴)، چاپ هفتم، مشهد: فردوسی.
- ۳- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، نفیسی، سعید (۱۳۴۴)، جلد دوم، تهران: کتابفروشی فروغی.
- ۴- دستور امروز، فرشیدورد، خسرو (۱۳۴۸)، تهران: صفی علیشاه.
- ۵- دستور جامع زبان فارسی، همایونفرخ، عبدالرحیم (۱۳۳۹)، چاپ دوم، تهران: موسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی.
- ۶- دستور زبان فارسی، بصری، طلعت (۱۳۴۸)، چاپ دوم، تهران: کتابخانه طهوری.
- ۷- دستور زبان فارسی، قریب، عبدالعظیم (۱۳۳۹)، چاپ سی ام، تهران: کتابفروشی علمیه.
- ۸- دستور مفضل امروز، فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۴)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۹- دیوان، اخسیکتی، اثیر (۱۳۸۹)، به تصحیح عبدالرحیم همایونفرخ، تهران: اساطیر.
- ۱۰- ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز، کلباسی، ایران (۱۳۸۷)، چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۱- سبک خراسانی در شعر فارسی، محبوب، محمد جعفر (۱۳۵۰)، انتشارات دانشسرای عالی.

- ۱۲- سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس (۱۳۸۴)، چاپ نهم، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۱۳- سبک‌شناسی شعر پارسی (از رودکی تا شامل) غلامرضایی، محمد (۱۳۷۷)، تهران: چاپ گلشن.
- ۱۴- سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نظم فارسی، بهار، محمد تقی (۱۳۷۰)، جلد اول، چاپ ششم، تهران: امیر کبیر.
- ۱۵- سخن و سخنوران، فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۶۹)، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ۱۶- سیری در شعر فارسی، زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۳)، چاپ اول، تهران: موسسه انتشارات نوین.
- ۱۷- شرح آرزومند: سبک‌شناسی شعر فارسی، ابراهیمی، مختار (۱۳۸۵)، چاپ اول، اهواز: انتشارات معتبر.
- ۱۸- فرهنگ پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی، فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۶)، چاپ اول، تهران: زوآر.
- ۱۹- فرهنگ فارسی، معین، محمد (۱۳۶۳)، دوره ۶ جلدی، چاپ ششم، تهران: انتشارات سپهر.
- ۲۰- فرهنگ لغات و ترکیبات شاهنامه، شامبیاتی، داریوش (۱۳۷۵)، چاپ اول، تهران: نشر آران.
- ۲۱- کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس (۱۳۸۸)، چاپ سوم، تهران: میترا.
- ۲۲- گنج سخن، صفا، ذبیح الله (۱۳۳۹)، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات «ابن سینا» سازمان چاپ و پخش کتاب.
- ۲۳- مجمع الفصحا، هدایت، رضا قلی خان (۱۳۳۶)، به کوشش مظاهر مصفا، تهران: امیر کبیر.
- ۲۴- مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر فارسی، صفا، ذبیح الله (۱۳۶۸)، چاپ سیزدهم، تهران: ققنوس.

مقالات

- تحلیل سبک‌شناسی تاریخ بیهقی بر مبنای ترکیبات اشتقاقی، پروین گلی زاده و رضا گورویی، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (ص ۲۹۲-۲۷۵)، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۱۸.
- ترکیب‌سازی واژگانی در پنج گنج نظامی، قدرت قاسمی پور، مجله پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی (ص ۱۱۷-۱۳۵)، سال سوم، شماره دوم، ۱۳۹۰.